

غزه: گورستان توهم‌های اسرائیل

رمزی بارود*



Photo: Motasem Murtaja

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، فروشنده‌ی ماهره‌ی است، هرچند محصولی که عرضه می‌کند به‌شدت تقلبی است. چالش فعلی او این است که خودش، مردمش، منطقه و جهان را متقاعد کند که به‌رغم موانع قابل‌توجه، در حال پیروزی در جنگ استراتژیک علیه دشمنانش است.

مقامات سابق امنیت ملی اسرائیل، اگرچه از واژگان متفاوتی استفاده می‌کنند، اما اساساً به یک نتیجه می‌رسند. همان‌طور که [سی‌ان‌ان](#) گزارش کرده، آنها نتانیاهو را «استاد تاکتیک» توصیف می‌کنند «نه یک استاد استراتژیست». در عنوان مقاله‌ای که به‌تفصیل یکی از اظهارات پرآب‌وتاب، اما توخالی نتانیاهو مبنی بر تمایل به کنترل خاورمیانه را شرح می‌دهد، عنوان شد «مثل همیشه پایان بازی مشخص نیست».

نتانیاهو و متحدان افراطی‌اش برخلاف واقعیت عمل می‌کنند. آن‌ها یا باور دارند، یا می‌خواهند باور کنند که پایان بازی کاملاً مشخص است.

به گفته‌ی بزالل اسموتریچ، وزیر دارایی، اسرائیل در چارچوب یک استراتژی نظامی بزرگ عمل می‌کند، که به «فروپاشی سوریه، شکست شدید حزب‌الله، خلع سلاح ایران از تهدید هسته‌ای، پاکسازی غزه از حماس و آواره‌شدن صدها هزار نفر از اهالی غزه به کشورهای دیگر» [منجر](#) خواهد شد.

فهرست گسترده‌ی اسموتریچ که در پایان ماه آوریل منتشر شد، با این جمله به پایان رسید که اسرائیل «قوی‌تر و مرفه‌تر» خواهد شد. این فهرست آرزوها با فهرست مشابهی که نتانیاهو در مارس گذشته ارائه کرد، بسیار همسو است.

با این همه، نتانیاهو که سخت به دنبال سرمایه‌ی سیاسی بلافاصله بود، ترجیح داد به جای اهداف آینده، به دستاوردهای ادعایی خود ببالد. او ادعا کرد که تاکنون دشمنانش را به زانو درآورده و «بقایای ارتش سوریه را نابود کرده است».

این ادعای اخیر به [اقدامات](#) یکجانبه‌ی اسرائیل علیه سوریه در دسامبر گذشته اشاره دارد، کشوری که درگیر اختلافات داخلی بود و به‌طور فعال درگیر جنگ با اسرائیل نبود. در اصل، اسرائیل در غیاب درگیری واقعی، یک جبهه‌ی جنگ عمده ایجاد کرد و خود را پیروز قطعی اعلام کرد.

رهبران اسرائیل به‌ندرت نیات واقعی کشورشان را با چنین زبان تندی علناً بیان می‌کنند. آنها اغلب جنگ، گسترش استعماری و حتی نسل‌کشی را با استفاده از

غزه: گورستان توهم‌های اسرائیل

اصطلاحاتی که برای رسانه‌های جریان اصلی و عموم مردم غرب خوشایند است، بیان می‌کنند: تجاوزهای اسرائیل را به‌عنوان دفاع از خود و ساخت شهرک‌های غیرقانونی را به‌عنوان محافظت از خودشان به تصویر می‌کشند.

با این حال، گفتمان سیاسی که اخیراً از اسرائیل سرچشمه می‌گیرد، لحن متفاوتی دارد. می‌توان گفت که اسرائیل، که توسط بسیاری از کشورهای جهان [طرد](#) شده و افرادی آن را رهبری می‌کنند که با اتهامات جنایی [رو برو](#) هستند، دیگر خود را ملزم به پنهان کردن اهداف واقعی خود نمی‌داند. با این حال، این نادرست است، زیرا اسرائیل اکنون بیش از هر زمان دیگری به دنبال ارائه‌ی یک منطق، ولو ضعیف، برای توجیه نابودی مردم فلسطین در غزه است.

در واقع، اگر اسرائیل نگران حساب‌خواهی نبود، زمان و منابع قابل‌توجهی را برای [دفاع](#) از خود در بالاترین دادگاه‌های حقوقی و کیفری جهان اختصاص نمی‌داد، و همچنین به سربازان خود هشدار سفر نمی‌داد یا هویت آنها را از ترس پیگرد قانونی پنهان نمی‌کرد.

[لفاظی‌های](#) سیاسی اغراق‌آمیز اسرائیل و اعلام دستاوردهای خیالی آن، نوعی خودنمایی با هدف حفظ وجهه‌اش به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای است که نه‌تنها قادر به تأثیرگذاری بر نتایج سیاسی، بلکه اساساً شکل‌دادن به کل خاورمیانه است.

تناقض این هیاهو آنجاست که اسرائیل با هزینه‌ای بی‌سابقه تلاش کرده است تا غزه، سرزمینی کوچک و ویران‌شده با جمعیتی [قحطی‌زده](#) را که کماکان از تأثیر نسل‌کشی مداوم اسرائیل در رنج است، را فتح کند و در این کار شکست خورده است. حتی چند صد متر پیشروی در رفح یا خان یونس کماکان منجر به مرگ و زخمی شدن در ارتش اسرائیل می‌شود، ارتشی که برای جمع‌آوری نیروهای لازم برای حملات گسترده در داخل نوار غزه با مشکل مواجه است.

با این حال، باید بین نیات اسرائیل و برآورده‌نشدن آنها تمایز قائل شد. در واقع، تسلط بر خاورمیانه فرمولی بوده که اقدامات اسرائیل را برای دهه‌ها هدایت کرده است. در واقع، [سندی رسمی](#) وجود دارد که جزئیات جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای اسرائیل را شرح می‌دهد: «جداسازی کامل: استراتژی جدید برای تأمین امنیت قلمرو.»

این سند در سال ۱۹۹۶ توسط ریچارد پرل، روشنفکر برجسته‌ی نومحافظه‌کار و از نزدیکان نتانیاهو، برای گروه موسوم به «مطالعه‌ی استراتژی جدید اسرائیل به سوی ۲۰۰۰» تهیه شد. هدف این سند هدایت اسرائیل به سمت سیاستی قاطعانه‌تر بود که دیدگاه «صلح جامع» را رد می‌کرد و از بی‌ثبات‌سازی منطقه و «مقابله با» تهدیدها، به‌ویژه تهدیدهایی که از سوریه، لبنان، عراق و ایران و غیره سرچشمه می‌گرفت، حمایت می‌کرد.

حمله‌ی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصتی طلایی برای دستیابی به برخی از این اهداف فراهم کرد، هرچند نتیجه‌ی نهایی به اهداف کلی نائل نشد. نتانیاهو که به دلیل شکست‌های ارتش و اطلاعاتش در طول جنگ غزه تحقیر شده و با فشار عظیمی از سوی مردم به شدت ناراضی روبروست، می‌داند که میراثش، که امیدوار بود به‌عنوان بزرگ‌ترین میراث در میان تمام رهبران اسرائیل به‌یادگار بماند، برعکس با جنجال و رسوایی خدشه‌دار خواهد شد.

بنابراین، نتانیاهو دوباره در حال اجرای استراتژی قدیمی پرل است، هرچند در شرایطی کاملاً متفاوت. «تأمین امنیت قلمرو» به این معنی است که اسرائیل واقعاً کنترل اوضاع را در دست دارد، از قدرت نظامی بی‌نظیری برخوردار است و دشمنانش حاضرند نقش کاهش‌یافته خود را در این خاورمیانه‌ی ساخته و پرداخته‌ی نتانیاهو بپذیرند.

اما حتی یک فروشنده‌ی ماهر، یا «تاکتیک‌دان بزرگ» هم نمی‌تواند نسل‌کشی را به‌عنوان پیروزی تبلیغ کند، و ارتشی بدنام و ناکارآمد هم نمی‌تواند یک پیروزی استراتژیک را برآورده کند.

اسرائیل آشکارا در دستیابی به پیروزی واقعی یا پایدار شکست خورده است، و راه‌حل روشن این است که اسرائیل مهار شود و به‌خاطر جنایاتش در غزه و سراسر فلسطین پاسخ‌گو شود. آن‌گاه خاورمیانه برای ثبات، صلح و حتی رفاه واقعی آماده خواهد شد، فارغ از دسیسه‌چینی‌های اسرائیل و پیگیری بی‌وقفه‌ی جبهه‌های جنگ بیشتر و پیروزی‌های واهی.

پیوند با منبع اصلی: [این جا](#)